

۱۴ - تعالیم اخلاقی مسیحیت چیست؟

در عهد عتیق، قوانین فراوانی یافت می‌شود که خدا به قوم خود اسرائیل عطا فرمود. در «ده حکم»، که در کتاب خروج باب ۲۰ یافت می‌شود، خدا بما دستور فرمود که والدین خود را محترم داریم و قتل و زنا و دزدی و دروغ و طمع نسبت به مال دیگران را منع فرمود. بعلاوه دستورات و قوانین اخلاقی فراوان دیگری نیز عطا فرمود که یکی از آنها این بود «همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما» (لاویان ۱۹: ۱۸). عیسی هیچیک از قوانین الهی را تغییر نداد بلکه بوسیله تشریح مقصود اصلی این قوانین، آنها را تکمیل نمود.

مثلاً عیسی فرمود که اگر کسی بزنی غیر از زن خود بنظر شهوت بنگرد، مرتکب گناه زنا شده است. قوانین عهد عتیق شخص را جهت عمل زنا محکوم می‌کرد ولی عیسی افکار شهوانی را که از قلب سرچشمه می‌گیرد و پایه اعمال شرارت‌آمیز می‌شود محکوم می‌نماید. او دستور فرمود تا در گفتار راستگو باشیم و هر نوع قسم خوردن را منع فرمود زیرا معتقد بود که می‌باید هر کلمه از گفتار انسان حقیقت محض باشد و در اینصورت احتیاجی به قسم نیست. او به پیروان خود فرمود که نه تنها می‌باید یکدیگر را محبت نمایند بلکه دشمنان خود را هم محبت کنند و برای جفاکنندگان خود دعای خیر نمایند. او مستی و هرگونه عمل غیر اخلاقی را منع فرمود. او فرمود که فرزندان خدا می‌باید کامل باشند بهمان طریقی که پدر آسمانی ایشان کامل می‌باشد. هیچ هدفی عالی‌تر از این نمی‌توان یافت (متی ۵: ۱۷-۴۷).

عیسی همچنین برای زندگی دستوری فرمود که در تمام سرزمینها و در تمام دوره‌ها قابل اجرا می‌باشد و آن این است: «آنچه خواهید که مردم بشما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید زیرا اینست تورات و صحف انبیاء» (متی ۷: ۱۲). این تعلیم گرانبها «قانون طلائی» نامیده شده است. این تعلیم کامل و اصولی نه فقط اعمال خلاف را نسبت بدیگران منع می‌نماید بلکه ما را تشویق می‌کند تا تمام خوبیهای را که مایلیم دیگران نسبت بما انجام دهند برای آنها انجام دهیم. بسیار قابل توجه است که انجیل دستورات مفصلی در مورد غذا و لباس و سایر مسائلی که در طی قرون قابل تغییر و تحول است ندارد بلکه شامل اصولی است که در هر وضعی قابل اجرا و بهمین دلیل دائمی می‌باشد.

تمام تعلیمات عیسی را می‌توان در کلمه «محبت» خلاصه کرد. محبت عیسی مسیح، محبت کاملی بود و او به شاگردان خود دستور داد که یکدیگر را محبت نمایند بهمانطریقی که خود آنها را محبت نمود (یوحنا ۱۵: ۱۲). ما مسیحیان بخوبی می‌دانیم که این محبت مسیحایی را در خود نداریم ولی هنگامی که بیاد می‌آوریم چگونه مسیح بما محبت نمود و برای ما جان داد، از او سرمشق می‌گیریم که دیگران را محبت کنیم (اول یوحنا ۴: ۱۹). روح مسیح، روح محبت است و هنگامی که مسیح روح خود را در ما قرار می‌دهد در آن موقع می‌توانیم تمام مردم، حتی دشمنان

خود را، مانند مسیح محبت کنیم (رومیان ۵: ۵ و ۱۲: ۱۷-۲۱). این محبت نباید فقط در قلوب ما بماند بلکه باید آنرا عملاً نشان دهیم. یوحنا ی رسول می‌گوید که اگر کسی قادر باشد برادر فقیر خود را کمک نماید، ولی از انجام این کار غفلت ورزد، محبت خدا در وی نیست.

ذیلاً قسمتی از عالیت‌ترین تعریفی که در مورد محبت نوشته شده و بقلم پولس رسول می‌باشد نقل می‌گردد:

«اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم بحدیکه کوهها را نقل نمایم و محبت نداشته باشم هیچ سود نمی‌برم. محبت حلیم و مهربان است، محبت حسد نمی‌برد، محبت کبر و غرور ندارد، اطوار ناپسندیده ندارد، نفع خود را طالب نمی‌شود، خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد، از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد ولی با راستی شادی می‌کند و در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید، در همه حال امیدوار می‌باشد و همه چیز را متحمل می‌گردد. محبت هرگز ساقط نمی‌شود... و الحال این سه چیز باقیست یعنی ایمان و امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است» (اول قرنتیان باب ۱۳).

محبت مسیح نسبت به مردم نه فقط بوسیله گفتار بلکه بوسیله شفای بیماران و غذا دادن گرسنگان و بخشیدن جان بر روی صلیب برای نجات گناهکاران ابراز شد. همین محبت مسیح است که پیروان او را علاقمند می‌سازد بیمارستانهائی جهت شفای مریضان و یتیم‌خانه‌هائی برای یتیمان و مدارس جهت کودکان و مؤسسات دیگری برای خدمت به مردم تمام نژادها و مذاهب جهان تأسیس نمایند. عیسی مایل بود که محبت نشانه مختص شاگردانش باشد (یوحنا ۱۳: ۳۵). ما مسیحیان باید با کمال شرمساری اعتراف نمائیم که محبت ما در اکثر مواقع بسیار ناقص بوده است، لکن جمیع مسیحیان واقعی مایلند مانند استادشان به دیگران محبت نمایند.